



سروش جمشیدی، بازیگر نقش قیمت در برنامه دورهمی:

شانس در خانام را زده است

یک شبه بازیگر نشده ام



البته به توانایی و خلاقیت بازیگران هم بستگی دارد؟
بله، نمی توان منکر این شد که بازیگران توانمند و خلاق بیشتر از بقیه می توانند گزینه های اول تهیه کنندگان و کارگردانان باشند و نقش بگیرند. بازیگری که خلاق باشد حتما در کارش موفق تر خواهد بود.
شما در دورهمی به یکی از بازیگران شاخص این برنامه تبدیل شدید که این بستگی به خلاقیت خودتان داشت. تکیه کلامهایی مانند «گل من» که خیلی به سرزبانها افتاد را نویسنده نوشته است یا متعلق به خودتان است؟

تکیه کلامها را نویسنده می نویسد اما شکل اجرایش به عهده من است. به نظرم در همین زمانهاست که بازیگر باید از خلاقیتش استفاده کند و بداند که چگونه این موقعیتها را تقویت کند که به چشم بیاید و در خاطره مخاطب بماند. من تلاش می کنم متن و نقش را به بهترین شکل اجرا کنم. شما در شبکه تابان (بزد) نقشی به نام آقای پيله را بازی کرده اید که در زمان خود خیلی مورد توجه قرار گرفت، آیا در زندگی واقعی هم پيله هستید؟

در سال ۷۸ سریالی در تلویزیون پزد تولید شد که پخش آن ۹ ماه طول کشید و هر شب به روی آنتن رفت و مردم خیلی آن را دوست داشتند. اما خودم در زندگی شخصی سعی می کنم آدم پيله ای نباشم بخصوص در زمینه کار اصلا اینچنین نیستم.

حتی برای رسیدن به آرزوها و خواسته هایتان؟
اگر آدم پيله و مسجی بودم، شاید در بازیگری خیلی زودتر به جایگاهی می رسیدم که الان هستم اما واقعیت این است که مسجی نیستم و عزت نفس خودم را حفظ می کنم. بیشتر تلاش کرده ام توانمندی های خود را افزایش دهم و منتظر یک اتفاق خوب بمانم تا این که مثلا مدام به تهیه کنندگان زنگ بزنم یا برای گرفتن نقش به دفاتر مختلف بروم. سعی می کنم در هنگام بازی به دیالوگها و نوع بازی ام پيله کنم تا بتوانم کارم را به بهترین شکل انجام بدهم. بیزارم از این که بخواهم خودم را به دیگران تحمیل کنم.

چقدر به شانس اعتقاد دارید؟
معتقدم اگر قرار باشد نقش خوبی به من پیشنهاد شود باید در نوبت بمانم

متولد سال ۵۸ است و از شش سالگی بازیگری را تجربه کرده است، اما بیشترین شهرتش با برنامه دورهمی و نقش «قیمت» رقم خورد. سروش جمشیدی که این روزها برای بازی در سریال مرز خوشبختی به کارگردانی حسین سهیلی زاده در محلات به سر می برد، دیدگاههای متفاوتی درباره حرفه بازیگری و شانس دارد.

با مروری به نقشهایی که تاکنون بازی کرده اید، می توان حدس زد که در کودکی بازیگوش بوده اید؟

بازیگوش بودم، اما نه زیاد. شش ساله بودم که به واسطه مرحوم پدرم به روی صحنه تئاتر رفتم و نقش یک پسر بچه را بازی کردم. از همان زمان به بازیگری علاقه مند شدم و همیشه دنبال موقعیتی بودم تا نمایشی به راه بیندازم و نقشی بازی کنم، فرق نمی کرد در مدرسه یا در مهمانی های خانوادگی.

پدرتان بازیگر حرفه ای تئاتر بود؟
نه! بازیگری شغل و حرفه اولش نبود. چون به امنیت این حرفه اعتماد نداشتم و همیشه می گفتم که از طریق بازیگری نمی توان امرار معاش کرد و به من توصیه می کرد که درسم را بخوانم و شغل دیگری داشته باشم و در کنارش بازیگری را هم ادامه بدهم.

از همان قدیم می گفتند که هنر و بازیگری امنیت شغلی و مالی ندارد، اما با همه این بیجاها و هراسها باز هم علاقه مندان به بازیگری تعدادشان خیلی زیاد است؟

علاقه مندان به این حرفه دور از گود ایستاده اند و نمی دانند که بازیگری فقط ویرترین زیبایی دارد اما حرفه به شدت دشواری است. حتی آنهایی که در دانشگاه درس بازیگری می خوانند هیچ واحدی را با موضوع این که بازیگری دوره بیکاری زیاد دارد پاس نمی کنند، حتی آنها یاد نمی گیرند که چگونه باید با تهیه کننده و بقیه عوامل سر و کله زد. علاقه مندان به بازیگری تا وارد این حرفه نشوند بیشتر در دنیای تصورات خود زندگی می کنند که با واقعیت خیلی فاصله دارد. وقتی سرکار می رویم در طول کار مدام این دغدغه را داریم که بعد از اتمام این کار باید چه کنیم؟ آیا نقشی به ما پیشنهاد خواهد شد؟ یا باید بیکار بمانیم! بخصوص الان که تولیدات کم شده و فقط تعداد محدودی بازیگر هستند که مدام سرکارند.

طنز

شعر کودک

نازنین رضایی منصور آباد
۱۲/ ساله

تو این وضع بی آبی
یه حرف دارم حسابی
خانوم های خونه دار
همیشه در حال کار
هی نشینید تو خونه
هی نگیرید بهونه
تو اوج خشکسالی
ظروف و مبل و قالی
مشغول شستن هستی
به گفتم و گو نشستی
یه کم قناعت کنی
نگاه به ساعت کنی
آب رو ندید هی هدر
که بد بشیم در به در
نگید حیاط کثیف بود
هی نشورید زود به زود
بیاین با هم ما باشیم
به فکر فردا باشیم
تو این بی آبی با هم
سهم من و شما هم
تلاش و همت کنیم
کمک به دولت کنیم
که شاد و سبز بمونیم
سرود عشق بخونیم

و همیشه از خدا می خواهم که حواسش به من باشد که در نوبتم و اگر قرار است اتفاق خوبی برآید رخ دهد، زیاد دیر نشود! معتقدم اگر قرار باشد اتفاقی در زندگی ما رخ دهد، حتما می افتد اما به شانس اعتقاد چندانی ندارم چون در حرفه ام هیچ وقت شانس در خانام را زده و اتفاقی بازیگر نشده ام. ۱۵، ۱۶ سال منتظر ماندم و سختی های زیادی دیدم، ماهها بیکاری و بی پولی را تحمل کردم تا یک اتفاق خوب در زندگیم رخ داد. برای امرار معاش کارهایی انجام دادم که دوست نداشتم؛ بنابراین شانس در خانام را زده و یک شبه بازیگر شده ام. اما لطف خدا را نادیده نمی گیرم. به نظرم آدم باید لیاقت لازم را کسب کند تا یک اتفاق خوب در زندگیش رخ دهد. در چند ماه اخیر واقعا خدا به من لطف کرده و به من عزت داده و احساس می کنم که به نوعی مرا بغل کرده است. اما اینها را نباید به حساب شانس گذاشت.

البته شما هم تصور بودید و ناامید هم نشده اید؟
در حرفه ما اگر تصور نباشی به نتیجه نمی رسی. در طول این سالها خیلی وقتها بریدم اما ناامید نشدم و منتظر ماندم چون خودم را باور داشتم. خودباوری در رشته بازیگری خیلی مهم است و نباید سر خودمان کلاه بگذاریم که ما می توانیم، فقط کسانی دوام می آورند که توانمند و صبور باشند.

با اپلیکیشن **www.isaco**
وصل به اصل هستید.



بخریدل اصل

قطعات اصلی محصولات ایران خودرو را در بسته بندی ایساکو با پرچسب اطمینان (هولوگرام) ضد تقلب از نمایندگی ها و فروشگاه های مجاز در سراسر کشور با قیمت یکسان تهیه نمایید.



www.isaco.ir
تامین قطعات | تضمین خدمات